

رسالة محمد



نام درس:

نظام تربیتی از منظر قرآن و
روایات

• مدرس:

• خدیجه افشین

• بهار ۱۳۹۹

اهداف تربیتی

هدف: امری است که مربی، متربی را برای رسیدن به غایت مورد نظر هدایت می نماید. خداوند نیز به عنوان مربی و مدبّر این نظام، مقصودی از خلقت انسان به عنوان اشرف مخلوقات دارد. بر همین اساس در قرآن کریم واژگانی دیده می شود که ناظر به هدفی برای انسان می باشد. هدف به قسم **عرضی و طولی** تقسیم می گردد.

هدف عرضی یا واسطی: اهدافی که نسبت به هم مجزا و مستقل هستند لکن در ارتباط با یکدیگر می باشند نظیر « تعاون که مرتبط با شأن اجتماعی است » و « تفکر که مرتبط با شأن فکری است »

هدف طولی یا غایی: اهدافی که نمی توانند منفکّ از یکدیگر باشند بلکه همراه با هم فعالیت دارند نظیر قرب که نسبت به تعاون و تفکر در مرتبه برتری قرار دارد.

اهداف غایی

۱- **هدایت و رشد:** راهنمایی به سمت و معنای خلقت، هدایت نام دارد لکن در مورد انسان شامل دو مرحله می شود.

مراحل هدایت انسان:

الف) نمودن = شناساندن و نشان دادن راه و بیراه به انسان که هدایت پیامبران و هدایت فطری در همین راستا هستند.

ب) پیمودن = مربی، مربی را به دنبال خود ببرد و او را به مقصود برساند به عبارت دیگر؛ ایصال الی المطلوب همان پیمودن است.

رشد: این واژه نیز معنایی هماهنگ با هدایت دارد و نقطه مقابل آن «غی» = گمراهی و ضلال « می باشد.

نکته: گرچه هدایت الهی، امری موهبتی است که به ید الله می باشد بطوریکه؛ هر کس را بخواهد هدایت می کند لکن فرد نیز لازم است، از شایستگی و معیارهای لازم برخوردار باشد در غیر اینصورت هدایت شامل حال او نمی گردد.

۲- طهارت و حیات طیّبه

طهارت و نجاست وصف وجودی اشیاء هستند و نزد همه اقوام مطرح بوده‌اند لذا در صورت تغییر رنگ، بو و مزه آن شیء، انسان نسبت به آن متنفر می‌شود. اما کاربرد قرآن در باب طهارت و نجاست از حیطة محسوسات فراتر رفته و امور معقول را نیز در بر می‌گیرد. در همین راستا توحید، طهارت کبری و سایر معارف و مسائل اخلاقی و احکام، طهارات نامیده می‌شوند.

حیات طیّبه: هنگامی که انسان تمامی شئون زندگی خود را که شامل بعد جسمی، فکری، اجتماعی، اقتصادی و... است را پاکیزه نگهدارد و مراقبت نماید، به حیات طیّبه دست می‌یابد.

لذا جمیع ابعاد زندگی انسان به عنوان اهداف واسطی و **حیات طیّبه هدف غایی** به شمار می‌آید.

۳- تقوا

هنگامی که انسان نفس خود را از ارتکاب گناه یا خطا حفظ نماید، تقوا حاصل می‌شود.

مراتب تقوا

(الف) استغفار و عدم اصرار بر لغزش: شخص، مرتکب لغزش می‌شود اما بلافاصله متوجه خود و عمل خویش می‌گردد و توبه می‌نماید.

(ب) غلبه بر لغزش: شخص، به محض وسوسه بر آن غلبه می‌کند.

(ج) مراقبت از دستاوردها: شخص در این مرتبه که بالاترین مراتب تقوا است به دنبال اصلاح و بهترشدن رفتارهای خود می‌باشد و از اعمال و رفتارهای نیکاش محافظت می‌نماید.

نکته: «یا ایها الذین آمنوا اتَّقُوا اللَّهَ و لتنظر لِنَفْسِ ما قَدَّمْتَ لِغَدٍ و اتَّقُوا اللَّهَ ...»

تقوای اول ← ناظر به محافظت در برابر گناه و انجام عمل صالح

تقوای دوم ← ناظر به محاسبه و توجه به کیفیت اعمالی است که در اثر تقوای اول به دست آمده‌اند.

۴- قرب و رضوان

نزدیکی به خداوند، قطعاً نمی تواند بصورت مکانی و مادی باشد. این نزدیکی حاکی از توجه انسان به خداوند است. به عبارت دیگر؛ هر چقدر توجه انسان بیشتر باشد، قرب الهی نیز بیشتر حاصل می شود و بالعکس نیز همین حالت حاکم است که البته دوری و نزدیکی در خاطر است و نه در واقع.

سجده، بالاترین حالت قرب الهی است زیرا سجده نمایشگر اوج تذلل انسان نسبت به خداوند می باشد.

رضوان

مقصود از توجه به خدا، رضوان نام دارد. توجه انسان به رضایت الهی است نه جزا و پاداش. رضوان، از قرب خاص تر است و به عبارت دیگر؛ رضوان اخصّ از قرب می باشد و آیه « **رضوان من الله اکبر** » اشاره بر این امر دارد.

۵- عبادت و عبودیت

عبادت در معنای عام، انجام پاره‌ای افعال و اعمال (رکوع، سجده، ذکر و...) است که انسان در مقابل خداوند به جای می‌آورد اما **حقیقت عبادت، مملوکیّت و مربوبیّت** انسان است یعنی آدمی، خداوند را تنها ربّ، مالک و مدبّر خود و جهان بداند و غیر از او را طرد کند.

حقیقت و نهایت عبادت، عبودیّت است. در عبودیت دو مرز وجود دارد. یکی « کبر » است و دیگری « شرک ».

هدف غایی خلقت، رساندن انسان به عبودیت است و نه عبادت. می‌خواهد از انسان « عبد » بسازد نه « عابد » یعنی فعل در مرتبه دوم از عبادت قرار می‌گیرد بلکه ابتدا معرفت و بینش آدمی باید ساخته شود.

آثار عبد بودن انسان

عبد بودن انسان باید در تمامی شئون و افعال و رفتارهای او جلوه‌گر شود یعنی در شان جسمی از پیروی غرایز و شهوات دوری می‌کند و در شان فکری و عقلی، از افکار باطل و گناه آلود اجتناب می‌ورزد. در شان اجتماعی و اخلاقی، برتری جویی را از خود دور می‌نماید و در شان اقتصادی، مالک بودن و در شان سیاسی، حاکم بودن خداوند را می‌بیند.

نتیجه و برون داد عبد بودن آدمی ، دست یافتن به رحمت ویژه الهی است.

عبد بودن انسان ← رحمت ویژه خداوند

رابطه اهداف غایی با یکدیگر

تمامی اهدافی که نام برده شدند، حکایت از مصادیق یکسانی دارند که این امر نشانگر تعدّد مفهوم ها می باشد.

در نتیجه؛ عبودیت به عنوان هدف غایی است که حتی پیامبر (ص) نیز علی رغم بر خوردهاری از مقام والایی که داشتند لکن افتخار ایشان همان عبد و بندگی خداوند می باشد و بعد رسول و فرستاده شدن اش را.



از حسن توجه شما سپاسگزارم